



دیدگاه‌های زرتشتی درباره‌ی رنج و مرگ

آلموت هینتزه

گردانش پویا غلامی



fold-era.com

دیدگاه‌های زرتشتی درباره‌ی رنج و مرگ^۱

آلموت هینتز

حضور شر^۲ در جهان رویاروی یک خدای کاملاً خوب، مضمونی عمده در زرتشتی‌باوری به شمار می‌رود، چنانکه در بسیاری از دیگر ادیان نیز چنین است. مسئله‌ی تئودیهسه^۳ در این‌جا با این دیدگاه حل می‌شود که شر جاودان و نیافریده^۴ است و جدای از خدا وجود دارد، و این‌که شر از بیرون و به‌منزله‌ی یک مزاحم یا متجاوز و دشمنی ویرانگر به دنیای آفریده‌شده توسط خداوند وارد شده است. [بنا بر این جهان‌نگری] همین شر سرچشمه‌ی تمامی کردارهای ویرانگر، رنج، و مرگ در جهان محسوب می‌شود. هرچند، در پایانِ زمان، شر از این جهان بیرون رانده و در حالتی ناتوان ناگزیر می‌شود به جایی عقب‌نشینی کند که از آغاز از آن سربرآورده بود. بدین ترتیب، شر بازیگر مهمی در نمایش کیهانی زرتشتی است.

منابع

منابع نوشتاری اصلی برای آموزه‌های زرتشتی اوستا^۵ و نوشته‌های فارسی میانه (یا: پهلوی) هستند.^۶ اوستا شامل متن‌های مقدس زرتشتیان است که از قرار معلوم قدمت کهن‌ترین‌شان حدوداً به میانه‌ی هزاره‌ی دوم پیش از میلاد برمی‌گردد. این متن‌ها که در سنت شفاهی منتقل شده‌اند، و از حدود ۶۰۰ میلادی به بعد به نگارش درآمدند، شامل هفده هات یا سروده‌ی نیایش‌اند (که در پنج بخش «سروده‌های» گات‌ها^۷ [گاسان؛ گاهان]^۷ دسته‌بندی شده‌اند) و به شخص زرتشت نسبت داده می‌شوند، که نام این دین نیز از نام او می‌آید و وی را سرآغازگر دین مزدپرستی می‌دانند. این متن‌ها، و «نیایش در هفت هات» (یسنا هپت‌نگ‌هایتی^۸) از اوستای کهن، قدیمی‌ترین شواهد زبانی بازمانده از زبان‌های ایرانی‌اند. زمینه‌ی فرهنگی اوستای کهن از تمدن روستایی آندزئو^۹

^۱ گردانش این نوشته را با مهر و سپاس، به دوستی دائن جلالی، هم‌پالکی دیرینه راست‌کردار و بی‌گزند پیشکش می‌کنم که نخستین بار - هنگام تماشای نمایش «مجلس شبیه؛ در ذکر مصایب استاد نوید ماکان و همسرش مهندس رخشید فرزین (بیضایی، تیر ۱۳۸۴)» که خود تأملی بر رنج و مرگ دگراندیشان بود - مرا با دوستی زرتشتی و درنگ در مفهوم «بهمن» آشنا کرد. این مقاله پاره‌ی ۷۱ از مجموعه‌مقالاتی است که در آن از منظرهای مختلف و در بسترهای گوناگون فلسفی، سیاسی، تاریخی، دینی و بینارشته‌ای به مسئله‌ی شر و رنج پرداخته شده؛ نوشته‌ی الموت هینتز (از استادان شناخته‌شده‌ی مطالعات زرتشتی در روزگار ما) لابه‌لای مقالاتی آمده که گستره‌ای از نظرگاه‌های گوناگون درباب مرگ و رنج را دربرمی‌گیرند؛ از آرای کتب مقدس تا نگره‌های باطنی و عرفانی، از ادبیات تا فلسفه، از دانتو و نوافلاتونیان و آکوئیناس و کیرکه‌گور تا سیمون وی و هانا آرت و پل ریکور تا پارادایم‌های معاصر و نوین پسانسانی و زیست‌اخلاقی. امیدوارم در برگردان اصطلاحات فنی مرتکب خطای بزرگی نشده باشم و سپاسگزار خواهم شد اگر اهل فن مرا از نادرستی‌های احتمالی آگاه کنند:

Almut Hintze, 'Zoroastrian Views on Suffering and Death', in *Suffering and the Problem of Evil*, Edited by Mattias Grebe & Johannes Grossl, T&T Clark Handbook Bloomsbury Publication, 2023, 577-588.

^۲ evil

^۳ Theodicy

^۴ uncreated

^۵ Avesta

^۶ See also Almut Hintze, "Avestan Literature", in *The Literature of Pre-Islamic Iran. Companion Volume I to A History of Persian Literature*, ed. Ronald E. Emmerick, Maria Macuch, and Ehsan Yarshater (London: Tauris, 2008); Maria Macuch, "Pahlavi Literature", in *The Literature of Pre-Islamic Iran. Companion Volume I to A History of Persian Literature*, ed. Ronald E. Emmerick, Maria Macuch, and Ehsan Yarshater (London: Tauris, 2008), 116-161.

^۷ Gathas "songs"

^۸ هفت‌نگ‌هایتی یا هپتن‌هایتی؛ هفت هات یسنه، شامل هات‌های ۳۵ تا ۴۱

^۹ Andronovo

در دوران عصر مفرغ خبر می‌دهد که مکانش در قزاقستان امروزی واقع شده است، و این دورانی است پیش از مهاجرتِ رو به جنوبِ ایلیات‌های ایرانی که طی آن به سوی نواحی جنوبی آسیای میانه کوچیدند.^۱

گرچه متن‌های اوستایی کهن در میانه‌ی هزاره‌ی دوم پیش از میلاد تثبیت شدند و زان‌پس به‌عنوان متن‌های مقدس به‌صورت سینه‌به‌سینه و شفاهی از نسلی به نسل دیگر حفظ شده‌اند تا کلمه‌به‌کلمه در آیین‌ها بازخوانده شوند، کردار دین‌یارانه‌ی ترکیب‌بندی شفاهی در اجرا طی سده‌های سپسین تا حدود ۴۰۰ پیش از میلاد در شکل‌های متأخر زبان اوستایی آغازی و میانه ادامه یافت.^۲ متن‌های بازمانده‌ی آن دوران طولانی، ستایش‌های آفرینش اهورامزدا (یسنا، ویسپرد^۳)، قوانین پاک‌ی یا بی‌آلایشی (وی دیوداد^۴)، و سروده‌های مربوط به هستندگان ایزدی منفرد (یشت‌ها)^۵ را شامل می‌شوند. هستندگان ایزدی گوناگون، از جمله ایزد میترا^۶، همگی در مقام آفرینش‌های اهورامزدا نشان داده می‌شوند، در حالی که قوانین پاک‌ی، و نیز سرتاسر دین، توسط شخص اهورامزدا مقرر شده‌اند، و از سوی او به زرتشت پیامبر رسانده شده‌اند. نظام پیچیده‌ای شامل آیین‌هایی با زبان اوستایی، که ریشه در سنت هندوایرانی پیشاتاریخی دارند، سپس تر طی نخستین نیمه‌ی هزاره‌ی نخست پیش از میلاد گسترش یافتند. یکی از آن‌ها یسنا (مخفف: ی)، یا «ستایش، قربانی» است. متن‌های اوستای کهن، شامل هفتاد و دو بخش، قسمت میانی‌اش را شکل می‌دهند، و این متن‌ها در برخوانی‌های اوستای جوان و اوستای دوره‌ی میانی گنجانده شده‌اند. یسنا به نوبه‌ی خود شالوده‌ی نسخه‌ای جشن‌محور و بلندتر را ساخته است که ویسپرد (مخفف: ور) نام دارد، «همه‌ی زدان [سرودان]»، و این دومی متن میانی یک آیین حتما بلندتر است، مراسم وی دیوداد، که در آن همه‌ی بیست‌ودو بخش وی دیوداد (مخفف: و)، «قانون تاراندن دیوان»، در جاهایی ویژه به ویسپرد افزوده شده‌اند. خیلی از متن‌های پهلوی بر سنت‌های اوستایی استوار شده‌اند. این متن‌ها شامل بندهشن، یا «آفرینش بنیادی»، می‌شوند که متنی به فارسی میانه است که از سنت‌های آغازی تر اوستایی سرچشمه گرفته و به‌ویژه برای درک کیهان‌شناسی زرتشتی اهمیت دارد. بیشتر نوشته‌های پهلوی جان‌به‌دربرده از دستبرد زمان در شکلی که امروزه به دست ما رسیده طی سده‌های نه و ده میلادی بسط یافتند، یعنی در دورانی که ایران پیشاپیش تحت سلطه‌ی اعراب مسلمان قرار داشت.

آفرینش

نام اوستایی ایزد اصلی زرتشتیان اهورامزدا^۷ است، «آفریدگار خردمند»، که برابر با هرمزد^۸ در فارسی میانه است. اوست سرچشمه‌ی همه‌ی نیکی‌ها، و هستندگان سودمند. نام اوستایی شر آنگره مینویو^۹ است، «نیروی ویرانگر»، که برابر با اهریمن^{۱۰} در زبان فارسی میانه است. هرگونه رنج و مرگ در این جهان سرانجام از همین نیروی ویرانگر سرچشمه می‌گیرد. در اوستا، شر مستقیماً در برابر اهورامزدا قرار ندارد بل مخالف متقارن سپنته مینویو^{۱۱} است

^۱ See Frantz Grenet, "Zarathustra's Time and Homeland: Geographical Perspectives", in *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*, ed. Michael Stausberg and Yuhana S. D. Vevaina with the assistance of Anna Tessmann (Oxford: Oxford University Press, 2015), 22.

^۲ See Prods Oktor Skjærvø, "Old Iranian", in *The Iranian Languages*, ed. Gernot Windfuhr (London: Routledge, ۲۰۰۹), ۴۴f.

^۳ Yasna, Visperad

^۴ Vidēvdād

^۵ Yašts

^۶ Mithra

^۷ Ahura Mazda

^۸ Ohrmazd

^۹ Angra Mainyu

^{۱۰} Ahriman

^{۱۱} Spenta Mainyu

که نیروی آفریننده و زندگی‌بخش اهورا مزدا به شمار می‌رود. در اوستای نوپاتر، سپنته مینویو گاه صفت اهورا مزدا است، و آمیزش مفهومی این دو نام به تقابل مستقیم میان هر مزد و اهریمن در متن‌های پهلوی منجر می‌شود.^۱ لیک آنگزه مینویو / اهریمن، گرچه نیافریده و جاودان است، نه به منزله‌ی یک خدا بل به منزله‌ی نیروی تاریک ویرانگری درک می‌شود که کارهای خدای یکتا، اهورا مزدا / هر مزد را خنثا می‌کند. خود اهورا مزدا در نور پیداست، خاصه در آتش آئینی فروزان طی یک مراسم یا جشن، آن‌جا که نور زیباترین شکل اوست.^۲

سپنته مینویو نشان‌گر توانایی آفریننده‌ی اهورا مزداست که به وسیله‌اش خداوند آفرینش را به دو شکل پدید می‌آورد: مینوی^۳ (اوستایی). *Mainiiauuu-*، پهلوی. *mēnōy*)، که ناپید^۴ ناملموس است، و گیتیانه^۵ (اوستایی. *gaēθiia-*، پهلوی. *gētīy*) که پید^۶ ناملموس است. در اوستا به این دو سنخ از وجود به صورت *ubu- ahu* (هر دو وجود) اشاره شده است.^۷ متن بندهشن^۸ می‌گوید که هر مزد آفرینش‌های مینوی را از گوهر نور خویش پدید آورد.^۹ جهان مینوی سوردسان مستقیماً از اهورا مزدا نشأت می‌گیرد، و همچون خود او کاملاً نیک و کامل است. از این رو، در گات‌ها، اهورا مزدا به عنوان «پدر» توصیف شده، نه تنها پدر «نیروی زندگی‌بخش» (سپنته مینویو، ی ۴۷.۳) بل همچنین پدر دیگر کیفیت‌های مینوی، چون «نظم، راستی» (آشه- *aša*، ی ۴۴.۳، ۴۷.۲)، «اندیشه‌ی نیک» (دُهو- مَنَه، ی ۳۱.۸، ۴۵.۴)، و «درست‌اندیشی» (آرمیتی-؛ *ārmaiti*، ی ۴۵.۴) است. همه‌ی این کیفیت‌ها به عنوان فرزندان مینوی او در نظر گرفته می‌شوند، و رابطه‌ی بین آن‌ها بر حسب ضوابط خویشاوندی توصیف شده است. به همین گونه، در متن‌های اوستای جوان، اهورا مزدا «پدر نامیرایان زندگی‌بخش» (امشَه- سپنته- امشاسپندان؛ *amaša- spənta*) است، در *پِشت* (مخفف: ی ت) ۱۹.۱۶؛ «پاداش» (آشی-؛ *ašī*) «خواهر» («بینش مزدپرستی» (دَینَه- مازدَیسنی؛ *daēnā- māzdaiiasni*) است؛ و «نیوشنده» (سر_نوشه- سروش؛ *sraōša*)، «عدالت» (ژشنو؛ *rašnu*) و «پیمان» (میثَه؛ *miθra*) «برادران» (ی ت ۱۷.۱۶) اویند.

آفریده‌های مینوی که روی هم رفته به عنوان امشاسپندان شناخته می‌شوند، بالگویی برآمدن به شکل گیتیانه را در خود دارند.^{۱۰} از دل همین آفرینش‌های مینوی‌اش است که اهورا مزدا جهان گیتیانه را پدید می‌آورد. اهورا مزدا طی دو مرحله چنین می‌کند. نخست، او جهان گیتیانه را در شکل مینوی تولید می‌کند، و از دل این تولید، او سپس جهان گیتیانه را به شکل گیتیانه درست می‌کند.^{۱۱} آفرینش‌های مینوی نخست می‌آیند، و به ریشه و مبنای آفرینش‌های گیتیانه شکل می‌دهند. همان‌طور که جان هینلز می‌گوید، آفرینش گیتیانه «آن‌گونه که در بسیاری ادیان می‌بینیم، نقطه‌ی مقابل امر گیتیانه نیست، بل در

^۱ See Shaul Shaked, "Some notes on Ahreman, the Evil Spirit, and His Creation", in *Studies in Mysticism and Religion presented to Gershom G. Scholem on His Seventieth Birthday by Pupils, Colleagues and Friends*, ed. Ephraim E. Urbach, R. J. Zwi Werblowsky, and Chaim Wirszubski (Jerusalem: Magnes Press, 1967), 233f.

^۲ See Almut Hintze, *A Zoroastrian Liturgy. The Worship in Seven Chapters (Yasna 35-41)* (Iranica 12; Wiesbaden: Harrassowitz, 2007), 147-54.

^۳ Spiritual; مربوط به روح

^۴ Material; مربوط به ماده

^۵ See also Johanna Narten, *Der Yasna Haptañhāiti* (Wiesbaden: Reichert, 1986), 290-5; Hintze, *A Zoroastrian Liturgy*, 73.

^۶ *Būndahišn*

^۷ See Almut Hintze, "Monotheism the Zoroastrian Way", *Journal of the Royal Asiatic Society* (Third Series) 24, no.

۲ (۲۰۱۴): ۲۲۵-۴۹, ۲۳۱f.

^۸ *Ibid.*, 243f

^۹ See also Shaul Shaked, "The Notions of *mēnōg* and *gētīg* in the Pahlavi Texts and Their Relation to Eschatology", *Acta Orientalia* 33 (1971): 59-107, 65f.; Almut Hintze, "The Cow that Came from the Moon. The Avestan expression *māh- gaociθra-*", in *Iranian and Zoroastrian Studies in Honor of Profs Oktor Skjærvø (BAI 19; ۲۰۰۵; ۲۰۰۹)*, ed. Carol Altman Bromberg, Nicholas Sims-Williams, and Ursula Sims-Williams, 59-61; Hintze, "Monotheism the Zoroastrian Way", 234-9.

عوض، تجسم امر مینوی است.^۱ آفرینش‌های مینوی و گیتیانه در کنار هم به آفرینش اهورا مزدا شکل می‌دهند. برای نمونه، پیوند نزدیک بین این دو آفرینش را از فرازی از اوستا که در ادامه می‌آید می‌توان دید:

(امشاسپندان)، که آفرینندگان اند و شکل‌دهندگان، سازندگان اند و نگهبانان، پشتیبانانند و مراقب موجودات اهورا مزدا. (ی ۱۹.۱۸)^۲

رابطه‌ی بین آفرینش‌های مینوی و گیتیانه در نوشته‌های پهلوی آنقدر نزدیک است که به‌طور نظام‌مند در همدیگر منتشرند، و هر آفرینش مینوی با آفرینشی گیتیانه پیوندی نزدیک دارد، نظامی که در اوستا نیز قابل ردیابی است، گرچه به‌طرزی کمتر نظام‌مند.^۳ برای نمونه، «اندیشه‌ی نیک» (وهُو-مَنَه-؛ *vohu manah*) نگاهبان حیوانات، «درست‌اندیشی» (آرمیتی-) با زمین پیوند دارد، «راستی» (آشه-) با آتش، و اهورا مزدا و سپننه مینوی با انسان درست‌کار.

برخلاف اهورا مزدا، گوهر نیروی ویرانگر (انگزه مینوی) تاریکی است، و او از همین تاریکی، آفرینش مینوی شرارت‌بارش را تولید کرده است.^۴ این آفرینش، شامل ضدهای متقارن آفرینش مینوی نیک اهورا مزدا است، خصوصاً «دروغ» (اوستایی. دروج-: *druj*)، «اندیشه‌ی بد» (اوستایی. آگه-مَنَه-؛ *aka-manah*)، و «غرور [بادسری]» (اوستایی. تری میتی-: *tarāmaiti*). گرچه، برخلاف آفرینش‌های مینوی اهورا مزدا، آفرینش‌های انگزه مینوی ناتوان از پدیدآوردن جهان گیتیانه‌اند زیرا آن‌ها تنها می‌توانند ویرانگر باشند.^۵ از این رو، شر در خودش [هنسبه] تنها در پهنه‌ی مینوی وجود دارد، نه بر پهنه‌ی گیتیانه. در نتیجه، یکجور بی‌توازی در نظام دینی خوب و بد زرتشتی باوری وجود دارد، هم با نظر به مفهوم خدا و مفهوم شر، و هم با نظر به آفرینش‌های هر کدامشان. خدا، به دیگر گپ اهورا مزدا، ایزد برتر است، و هیچ همتای منفی‌ای ندارد. هرچند، نیروی آفرینشگر او، سپننه مینوی، یک همتا دارد، زیرا انگزه مینوی یا همان «نیروی ویرانگر» در مقابلش قرار می‌گیرد. اهورا مزدا دو سنخ از آفرینش دارد، مینوی و گیتیانه، لیک انگزه مینوی تنها یک سنخ آفرینش دارد، که همانا برون‌دادی است مینوی.^۶

خصیصه‌ی متمایز جهان گیتیانه‌ای که به‌وسیله‌ی اهورا مزدا آفریده می‌شود این است که این جهان سراسر نیک و کامل ساخته شده بود، درست همچون جهان مینوی. جهان‌نگری کیهانی‌گرا به‌درستی به‌عنوان ویژگی تقریباً یکتای زرتشتی‌گرایی توصیف شده است، ویژگی‌ای که آن‌را از بسیاری دیگر از سنت‌های دینی و فلسفی متمایز می‌کند. خصیصه‌ی سرشت‌نمای زرتشتی‌گرایی دوگانگی کیهانی‌گرای مینوی و گیتیانه‌اش است، آمیخته به دوگانه‌باوری

^۱ See John R. Hinnells, "Health and Suffering in Zoroastrianism", in *Religion, Health and Suffering*, ed. John R. Hinnells and Roy Porter (London: Kegan Paul International, 1999), 2.

^۲ Almut Hintze, *Zamyād Yašt. Introduction, Avestan Text, Translation, Glossary* (Iranische Texte 7; Wiesbaden: Reichert, 1994), 17.

[فارسی‌گردان این مقاله ترجیح داده است گردانش فارسی متن انگلیسی الموت هینتزه را بیاورد (چه این مقاله خوانش و برداشت اوست) لیک در پانویس (ها) همان بند(ها) را از خود اوستا (گزارش جلیل دوستخواه) به انتهای ارجاع(های) هینتزه بیافزاید (همچون همین چند بندی که خواننده هم‌اینک می‌خواند)، تا اختلاف‌های جزئی یا تفاوت‌های برداشت هینتزه و دوستخواه از متن اوستا بهتر در نظر آیند (به نظر می‌رسد گاه این تفاوت‌ها مسئله‌زا و عمده‌اند). همین بند در اوستا؛ کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه (جلد یکم)؛ انتشارات مروارید؛ ۱۳۷۱، ص. ۴۸۸، چنین آمده: [...] که هر هفت تن... که آفرینش اهوره‌مزدا دادار چهره‌نگار سازنده‌ی نگاهبان‌ها یاور و پناهند. - م. ف.

^۳ See also Johanna Narten, *Die Aməša Spəntas im Avesta* (Wiesbaden: Harrassowitz, 1982), 103-47; Mary Boyce, "Aməša Spənta", *Encyclopaedia Iranica*, vol. I, fasc. 9 (1989): 933-6.

^۴ See Domenico Agostini and Samuel Thrope, *The Bundahišn. The Zoroastrian Book of Creation* (Oxford: Oxford University Press, 2020), 9.

^۵ See Antonio Panaino, "The 'Mental' Dimension of Evil in the Mazdean Perspective", *Lumina. Rivista di Linguistica storica e di Letteratura comparata* 4, no. 1-2 (2020): 45-78, 58-60.

^۶ See Shaked, "Some notes on Ahreman", 228.

خوب و بد، و تک‌خدایی‌ای که متفاوت از تک‌خدایی‌های یهودیت، مسیحیت، و اسلام است^۱، از آن‌جاکه در زرتشتی‌گرایی، شر حال در آفرینشِ خدایی نیست بل از بیرون به آن وارد می‌شود.

تعرضِ شر به جهانِ گیتیانه‌ی آفریده‌ی خدا

در زرتشتی‌گرایی، رنج‌بردن و مرگ به منزله‌ی بخش‌های طبیعی، و جدایی‌ناپذیرِ زندگی نگرسته نمی‌شوند، زیرا اهورا مزدا جهان را بدون آن‌ها آفریده است. وجود رنج و مرگ در جهان پیامد مستقیم حضور شر در جهان گیتیانه‌ی آفریده‌شده توسط اهورا مزدا است. ناخوشی‌ها و بیماری‌های تنانه، گندیدگی و مرگ همه محصولات شر هستند. آن‌ها [در زرتشتی‌گری] غیرطبیعی شمرده می‌شوند و باید در برابرشان ایستادگی کرد، رویاروی‌شان جنگید، و آن‌ها را از میان برداشت.

کیهان‌شناسی زرتشتی، حضور شر در جهان را به یک رویداد خاص نسبت می‌دهد. این رویداد، «حمله»ی (پهلوی: ایگت: *ēbgat*) شر به جهان گیتیانه پس از آفرینش جهان گیتیانه توسط اهورا مزدا بود.^۲ شر از بیرون به این کیهان تعرض کرد، و با خود مرگ و ویرانی به بار آورد. شر آب و زمین را آلوده ساخت، و نمونه‌ی گیاه، حیوان، و انسانی را که اهورا مزدا آفریده بود نابود کرد. هرچند، از آن‌جاکه اهورا مزدا آفرینش گیتیانه را نخست در حالت مینوی و سپس در حالتی گیتیانه انجام داد، پس او توانا بود به این‌که طرح نامیرای (پهلوی: ایوینگ [فرهنگ مک‌کنزی: آینه: به آیین]؛ *ēwēnag*) هر کدام از آفرینش‌های گیتیانه‌ای را که شر آلوده یا کشته بود بردارد، آن طرح را در سپهرهای پردیسی دور از دسترس شر، پاک سازد، و آن‌گاه همه‌ی آن‌ها را بار دیگر به منزله‌ی آفرینش‌های نو در جهان جای دهد، لیک این‌بار به صورت بس‌گانگی [کثرت]^۳: یک زوج بشری، مادینه و نرینه، و ۲۸۲ گونه حیوان.^۴ محصولات این دومین دور آفرینش گیتیانه از آن پس در جهانی دچار شر زیسته‌اند، و هرگونه رنج و مرگ در این جهان به حضور همین شر در آن نسبت داده می‌شود.

وانگهی، گرچه شر بر پهنه‌ی مینوی نیز عمل می‌کند، و در این‌جا قدرتمندترین است زیرا محصولات مینوی خاص خود را در دسترس دارد. یکی از کارگزاران اصلی شر، دروغ (اوستایی: *druj*، پهلوی: *druž*) است. بر پهنه‌ی مینوی، آفرینشی که بیشترین حمله‌ی شر متوجه‌اش می‌شود انسان است. شر مدام می‌کوشد با نیروهای مینوی چون دروغ، اندیشه‌ی بد، غرور، آز، و هرزگی به ذهن شخص وارد شود. همین‌که شخصی این نیروهای منفی را در ذهن و روان خویش پذیرفت، نیروهای نیک تحت‌الشعاع آن نیروهای منفی قرار می‌گیرند، و شخص به کارگزارِ انگره مینیو تبدیل می‌شود. او با در پیش‌گرفتن دروغ، بداندیشی، غرور، آز، یا هر کنش مینوی ویرانگرِ دیگر، مبلغ برنامه‌ی انگره مینیو برای ویران کردن جهان گیتیانه‌ی اهورا مزدا می‌شود. در این‌جا شایان ذکر است که این فرایند در مورد هر دوی زنان و مردان صدق می‌کند. اوستا درباره‌ی برابری زنان و مردان به‌عنوان عامل‌های اخلاقی بسیار روشن و قاطع سخن می‌گوید؛ اعضای هر دو جنسیت به طور برابر فراخوانده می‌شوند تا به دین مزدپرستی و طردکردن شر پردازند.^۵

شر به منزله‌ی منبع رنج و مرگ

در زرتشتی‌باوری، رنج‌بردن به‌هیچ‌وجه به‌منزله‌ی چیزی محدود به انسان‌ها نگرسته نمی‌شود. تمام جهان گیتیانه تحت تأثیر کنش‌های شر قرار می‌گیرد در هرکجا که زمین، آب، و هوا آلوده شوند، هرکجا که گیاهان بخشکند و بیژمردند، و هرکجا که حیوانات و انسان‌ها از پیری و بیماری‌ها و مرگ رنج برند. مضمون رنج‌بردن آفریده‌ی حیوانی تحت اختیار انسان‌های نیرنگ‌بازی که بر آن حیوان «خشونت» (اوستایی: *aēšma* [آیشمه؛ خشم]) اعمال می‌کنند، در

^۱ See Alan V. Williams, "The Continuum of 'Sacred Language' From High to Low Speech in the Middle Iranian (Pahlavi) Zoroastrian Tradition", in *Religion, Language, and Power*, ed. Nile Green and Mary Searle-Chatterjee (New York: Routledge, 2008): 123–42, 132–4, and 141 n. 28.

^۲ See Agostini and Thrope, *The Zoroastrian Book of Creation*, 27–31.

^۳ multiplicity

^۴ See Hintze, "The Cow that Came from the Moon", 61.

^۵ See Leon Goldman, "Women ii. In the Avesta", *Encyclopaedia Iranica*, December 14, 2012, <https://iranicaonline>

یکی از نخستین سروده‌ها گات‌ها، یعنی در یسنای ۲۹، مضمون اصلی است. در این فراز، گاو در پیشگاه هستندگان ایزدی، به دیگر گپ نزد اهورا مزدا و فرزندان مینوی‌اش، شکوه سر می‌دهد، و از شبان تمنا دارد که مراقب وی باشد (تمام گردانش‌های متن‌های نقل شده در این مقاله از نویسنده‌اند و در غیر این صورت به گرداننده اشاره شده است):

به نزد تو شکوه کرد گاو: «بهر که ساخته‌ای مرا؟ که مرا ساخت؟»

خشم و زور، بیداد و بند و نیرو مرا به زنجیر کرده‌اند.

ندارم شبانی جز تو. اینک پیش من آی با چراگاهی نکو (یسنا ۲۹.۱)^۱

پس گاو در تیره‌روزی‌اش به زرتشت (به احتمال زیاد، ضمیر «من» گات‌ها) می‌پیوندد، و زرتشت با این حیوان هم‌نوا می‌شود، و هر دوی آن‌ها به درگاه ایزد تمنا می‌کنند:

با داستان باز (و) با شوروشوق، روان من و روان گاو شیرده خویش را شایسته‌ی مهر پروردگار کردیم، چنان‌که ما هر دو تن فاش نمودیم
پرسش‌های مان را بر آن آفریدگار خردمند:

«نه انسان درست‌کار و نه دام‌دار جان به در نبرند در میان نیرنگ‌بازان!» (یسنا ۲۹.۵)^۲

اشاره به «نیرنگ‌بازان» مستلزم زندگی راست‌کاران در میان آدمیانی است که نیروهای ویران‌گر مینوی‌انگرمینویو را در روان‌های‌شان پذیرفته‌اند. هم حیوان و هم انسان نیازمند پشتیبانی‌اند. درخواست گاو را زمانی برآورده می‌شود که زرتشت به‌عنوان نگه‌دارنده‌ی گاو برگمارده می‌شود. هرچند، گاو با آگاهی از این‌که زرتشت به‌اندازه‌ی گاو نیازمند است، از این گمارش ناخرسند است:

لیک سپس روان گاو شکوه سر داد: «من، که کارم به تاب‌آوردن انسانی ضعیف کشیده است، [و شنیدن] صدای مردی که قهرمان نیست، کاش
کسی بود که می‌توانست با زورمندی فرمان راند!» کی خواهد آمد کسی که به گاو نالان دست‌یاری رساند؟ (یسنا ۲۹.۹)^۳

لیک سپس زرتشت چشم‌به‌راه نیرومندشدن است وقتی اهورامزدا ی خردمند یاری‌اش می‌دهد، و در نتیجه، او خواهد توانست برای گاو «منزلگاهی نیکو و آرامش» فراهم آورد:

اینک تو، ای پروردگار، اینان را با راستی و با اندیشه‌ی نیک نیرو ده، آن قاعده‌ای را ده که به‌وسیله‌اش او تواند منزلگاه‌های نیکو و آرامش فراهم
آورد! به این خاطر، البته که تو را ای خردمند، نخست‌فراهم‌کننده دانم. (یسنا ۲۹.۱۰)^۴

^۱ بسنجید با گزارش و پژوهش دوستخواه (پیش‌گفته، ص ۱۰): «گوشورون نزد شما گله‌گزار: - مرا برای چه آفریدی؟ که مرا ساخت؟ خشم و چپاول و تندخویی و گستاخی و دست‌بازی مرا یکسره در میان گرفته است. مرا جز تو پشت و پناهی نیست. اینک رهاننده‌ای شایسته به من بنمای.» - م.ف.

^۲ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص ۱۱): «... پس به راستی [ما] هر دو - من و روان جهان بارور - «اهوره» را با دست‌های برآورده می‌ستایم و از «مزدا» خواستار می‌شویم که آرزوی ما را چنین برآورد: «هرگز پارسایان و راهبرشان را از دُرُوندان آسیبی مرسد!» - م.ف.

^۳ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص ۱۲): «آن‌گاه گوشورون برخوردید: آیا من باید به پشتیبانی نارسای مردی ناتوان خرسند باشم و به سخنان او گوش فرادهم؟ به راستی مرا آرزوی فرمانروایی توانا بود. کی فراخواهد رسید آن زمان که چنین کسی با دستانی نیرومند مرا یاری دهد؟» - م.ف.

^۴ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص ۱۲): «ای هوره! ای اشه! اینان را از نیرو و شهریاری مینوی برخوردار کن. ای منش نیک! بدینان آن دهشی را ارزانی دار که خانمان خوب و رامش بخشد. ای مزدا! من نیر او را برترین آفریده‌ی تو می‌شناسم» - م.ف.

مضمون فراهم کردن «آرامش و چراگاه» برای حیوان، خویشکاری اصلی ستاینندگان «پسنا هپتنگ هاییتی»، در کنار ستایش اهورا مزدا است.^۱ این پاسخی مستقیم به آن خشونت زنده (آیشمه) است، که منزلگاهها و خانهها [ی روستایی] ستاینندگان اهورا مزدا را ویران می کنند. در سروده‌ی مربوط به میترا [مهریشت]، هستنده‌ی ایزدی‌ای که تجسم «پیمان» است و پیمان‌شکنان را پادافره می دهد، تنگنای راست کاران و حیوانات به این گونه توصیف می شود:

سکونت‌گاهها، خونین [شده‌اند]، به تاراج نابودی رفته‌اند،

منزلگاهها زیست‌ناپذیر(ند)

آن‌جا که پیمان‌شکنان

و نیرنگ‌بازان منزل دارند، آنان که راست کاران راستین را از بین می‌برند.

گاو، از پی پیشگام، پیش برده می‌شود

در مسیر خونین اسارت،

او که [به‌زور] به دژهای میرایان پیمان‌شکن کشانده شده است

آنان (گاوان) پیوسته اشک می‌ریزند،

آب دهان‌شان جاری. (ی ت ۱۰.۳۸)^۲

هرگاه نیرنگ حکم فرما شود، حیوانات به اندازه‌ی راست کار به رنج شوند. مزدپرستان، آگاه از استقلال متقابل حیوانات خانگی و آدمیان، خود را متعهد به نگاهداری و مراقبت ایشان می‌دانند:^۳

اینک ستاییم روان‌های خویش را

نیز روان‌های حیوانات خانگی را.

که میل به کسب پشتیبانی ما دارند،

(حیواناتی که) آدمیان در این‌جا (باید) حتما (در دسترس) باشند آنان را

و خود این حیوانات نیز باید حتما این‌جا در دسترس آدمیان باشند. (پسنا ۳۹.۱)^۴

پیکار با شر از طریق واژگان

^۱ See Hintze, *A Zoroastrian Liturgy*, 87–90.

^۲ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص. ۳۶۲): «خانه‌های هراس‌انگیز ویران شود و مردمان تهی ماند. آن خانه‌هایی که مهردروجان و دُرُوندان و کشندگان آسَونان راستین در آن‌ها به سر می‌برند، هراس‌انگیز است. راه گرفتاری از آن‌جا می‌گذرد که گاو آزاد چراگاه را در خانمان‌های مهردروجان به گردونه بندند و گاو درایستد و اشک بر پوزه روان کند.» - م.ف.

^۳ Ibid., 266–7.

^۴ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص. ۲۰۶): «این چنین می‌ستاییم گوش‌ورون و گوش‌تشن و روان‌های خود و روان‌های چارپایان را که مایه‌ی زندگی ما هستند؛ که ما برای آن‌هاییم و آن‌ها برای مایند.» - م.ف.

از منظر زرتشتی، پیکار در برابر شر، در ساحت مینوی، یعنی کنار گذاشتن دروغ‌گویی و نیرنگ، شکم‌بارگی و کاهلی، بادسری، سوگ‌مندی بیش از حد، و هرگونه کردار روانی منفی دیگر. در سطح گیتیانه، اینهمه مستلزم نبرد کردن رویاروی رنج، بیماری‌ها، و فقر است؛ رویاروی آلودگی تن و آلودگی عناصر زمین، آب و آتش؛ رویاروی هرگونه کردار که به کارکرد درست آفرینش‌های گیتیانه‌ی اهورا مزدا گزند می‌رساند. در حالی که اساساً شر تنها در ساحت مینوی وجود دارد، در جهان گیتیانه بر هر دو سطح مینوی و گیتیانه تأثیر می‌گذارد. شر به همه‌ی مخلوقات اهورا مزدا حمله می‌برد و با آلودگی، سالخورده‌گی، و مرگ به‌روزی تنانه‌شان را سست می‌کند، یعنی با چیزهایی که همگی بر وجود گیتیانه و بدنی آن‌ها تأثیرگذارند. درباره‌ی این‌که بیماری‌ها کارِ انگره‌مینوی هستند صراحتاً سخن به میان آمده، برای نمونه، در فراز زیر از اوستای جوان:

چنین گفت اهورا مزدا به زرتشت سپیتما:

من، اهورا مزدا،

من، دهنده‌ی (چیزهای) خوب،

من که ساختم این سرای را، چیزهای زیبا، آرام، و خوش‌ترکیب را،

برون خواهم شد، برخوادم گذشت. آن‌گاه آن شرور در من نگریست،

آنگاه او، آن شرور، انگره‌مینوی مرگامرگ، با ۹۹۹۹۹ بیماری ستیزید با من.

اینک، بادا که تو، شکوهمندترین سروده‌ی زندگی‌بخش، مرا درمان کنی! (وی دیوداد ۲-۲۲.۱)^۱

انگره مینویو با «چشم شرارت‌بار» به اهورا مزدا می‌نگرد و بیماری‌هایی تولید می‌کند که برای تأثیر منفی گذاشتن بر کار پروردگار و ویران کردن آن کار طراحی شده‌اند.^۲

تجلی‌های بسیار شر در جهان، به شکل فعالیت روانی یا با گزندرساندن به آفرینشی گیتیانه، هر یک به‌طور منفرد نام‌گذاری شده‌اند و در سیاهه‌ی بلند دیوها در متن‌های اوستایی و پهلوی ضبط شده‌اند. ناخوشی‌ها، بیماری‌ها، و دیگر چیزهای ناخواسته به نام خطاب قرار داده می‌شوند و از آن‌ها خواسته می‌شود که «دور شوند»، چنان‌که پرستندگان اهورا مزدا بندهایی از سروده‌های اوستایی را برمی‌خوانند:

بیماری‌ها دور شوید!

مرگ، دور باد!

دیوان، دور باشند!

بدبختی‌ها، دور باشند!

ملحدان راستی‌ستیز، دور باشند!

^۱ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، جلد دوم، ص. ۸۸۶): «اهوره‌مزدا به سپیتما زرتشت چنین گفت: «من - اهوراه‌مزدا، دادار آفرینش نیک - بدان هنگام که این سرای را ساختم، چنان کردم که چشم‌اندازی زیبا و درخشان داشته باشد. پس آن نائشون هرزه در من نگریست. اهریمن نائشون هرزه، آن مرگ‌آفرین، به پتیارگی خویش، ۹۹۹۹۹ بیماری پدید آورد. ای منتره‌ی ورجاوند! ای فره‌مندترین مینویان! تو مرا به درمان‌بخشی یاور باش.» - م.ف.

^۲ See also Hinnells, "Health and Suffering in Zoroastrianism", 8f.; S. Kori Pekala, "Evil and How to Combat Evil: Magic, Spells, and Curses in the Avesta" (PhD diss., Harvard University, 2000), 105; S. K. Mendoza Forrest, *Witches, Whores, and Sorcerers: The Concept of Evil in Early Iran* (Austin: University of Texas Press, 2011), 83-9.

ستم‌پیشه، دور باشد! (ی ت ۳۰۷)^۱

بندهای بلاگردانی از این دست در متن‌های زرتشتی بسیارند، هم در متن‌های اوستایی و هم در متن‌های پهلوی. این بندها بیانگر ایستادگی در برابر انگره‌مینویو و کارگزارانش و خوارش‌مردن او و زیردستان اوست. جادو از طریق وردها، نفرین‌ها، و طلسم‌ها اجرا می‌شد، و این یکی از روش‌های دورنگه داشتن دیوان بود.^۲

نبرد علیه شر به بخشی جدایی‌ناپذیر از آیین زرتشتی هم شکل می‌دهد. برای نمونه، طی آماده‌سازی سه‌وجهی نوشیدنی هَنومَه [هَوَمَه] مربوط به قربانی در مراسم یسنا، دین‌یار یا موبد این واژگان اوستایی را برخوانی می‌کند:

پس باید برگزید او را، آن بزرگ‌ترین را،

در مقام پروردگار و داور، آن اهورا مزدا را،

برای درهم‌شکستن نیروی ویرانگر نیرنگ‌باز،

برای درهم‌شکستن خشم انجمن خونین،

برای درهم‌شکستن دیوان مازنی،

برای درهم‌شکستن همه‌ی دیوان و ورنی‌های نیرنگ‌باز. (یسنا ۲۷۰.۱)^۳

موبد ضمن برخوانی این سخنان، دسته‌ی هاون را از ظرف آب می‌گیرد، آن را دور لبه‌ی داخلی ظرف آب می‌چرخاند، و با انتهای بالایی و پایینی‌اش سطح خوان یا سفره‌ی آئینی را لمس می‌کند. او سپس سه بار در هر یک از چهار جهت اصلی به دیواره‌های بیرونی هاون ضربه می‌زند، و با این کار صدای زنگ بلندی ایجاد می‌شود، و همین در هر جهت سنخ متفاوتی از دیو را درهم می‌کوبد، که نخستین‌شان انگره‌مینویو، «نیروی ویرانگر» است. منظور از نوفه‌ی زنگ‌دار بلندی که موبد با دسته‌ی هاون ایجاد می‌کند تاراندن یا زماندن انگره‌مینویو است. این کار موبد با فرازی به زبان فارسی میانه پی گرفته می‌شود: «درهم‌شکسته باد گنامینو، بر اهریمن صد هزار بار لعنت!»^۴ او این کلمات را با نجوایی آرام بیان می‌کند زیرا به اوستایی نیستند.^۵

مفهوم درهم‌شکستن انگره‌مینویو همچنین در اجرای مراسم گُستی حاضر است، مراسمی که زرتشتیان در زندگی روزمره‌شان اجرا می‌کنند. آئین پوشیدن گُستی [کُستی؛ کُستی] به منزله‌ی بخشی از آیین تشریف یا پاک‌سازی به دین بهی، در هند معمولاً در سن هفت سالگی و در ایران اندکی سپس‌تر صورت می‌گیرد، و شامل پیراهن پنبه‌ای سپیدی (به نام سدره sudre) است، و کمربندی (به نام گُستی) از جنس پشم بره [یا بُز] است که سه بار روی تن پوش دور کمر

^۱ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، جلد اول، ص. ۲۸۹): «ای ناخوشی‌ها بگریزید! ای مرگ بگریز! ای دیوان بگریزید! ای پتیارگان بگریزید! ای اشموغ کینه‌ور از آشه بگریز! ای مرد ستمکار بگریز!» - م.ف.

^۲ See also Pekala, "Evil and How to Combat Evil: Magic, Spells, and Curses in the Avesta"; Antonio Panaino, "Magic i. Magical elements in the Avesta and Nērang literature", *Encyclopaedia Iranica*, July 20, 2008, <https://www.iranicaonline.org/articles/magic-i-magical-elements-in-the-avesta-and-nerang-literature>; Forrest, *Witches, Whores, and Sorcerers*, 113–36.

^۳ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص. ۱۹۳): «اینک آن بزرگتر از همه - اهوره مزدا - را «اهو» و «رتو» برمی‌گزینیم تا اهریمن نابه‌کار را براندازیم؛ تا دیو خشم خونین‌درفش را برافکنیم؛ تا دیوان مزندری را برانیم؛ تا همه‌ی دیوان و دَرَوندان «وَرِن» را براندازیم...» - م.ف.

^۴ See Firoze M. Kotwal and James W. Boyd, *A Persian Offering. The Yasna: A Zoroastrian High Liturgy* (Paris: Association pour l'avancement des études iraniennes, 1991), 81f., 107.

^۵ Kusti

بسته و گره زده می‌شود و آن را با یک گره راست می‌بندند.^۱ پیراهن و کُستی نشان‌های دین زرتشتی‌اند. آن‌ها «جوشن» زرتشتیان‌اند، جوشنی که از ایشان در برابر حملات مستمر شر پدافند می‌کند. زرتشتیان در نمازهای روزانه‌شان، طی برخوانی مراسم به زبان اوستایی و فارسی میانه، گره کُستی را باز می‌کنند و از نو می‌بندند.^۲ آن‌ها ضمن باز بستن کُستی و برخواندن نماز آهونه‌ویریه که سپنتاترین نماز دین زرتشتی است، یک سر کُستی را تکان می‌دهند یا با آن ضربتی ملایم می‌زنند.^۳ این کنش پس‌زدن انگره مینیو را نمادپردازی می‌کند و به معنی تاراندن اوست، درست همچون کارکرد صدای بلند زنگِ هاون طی مناسک یا جشن یسنا. کیسه‌ای در جلو و کیسه‌ای عقب یقه‌ی تن‌پوش ایده‌ی گردآوری کردارهای نیک را نمادپردازی می‌کنند، کردارهای آینده در کیسه‌ی پشتی و کردارهای گذشته در کیسه‌ی جلویی، و شخصی که در آن جامه است در میان آن دو کیسه، زمان حال را نمادپردازی می‌کند.

در اوستا، درمان‌بخش‌ترین عامل، و از این‌رو نیرومندترین سلاح در برابر هرگونه تجلی شر، «مَنتره‌ی زندگی‌بخش» (سپنته‌منتره) است. یکی از این سرودها مراسم یا نماز آهونه‌ویریه است. اهورا مزدا نخستین بار آن را پس از آفرینش مینوی و پیش از آفرینش گیتیانه برخواند:

زرتشت پرسید از اهورا مزدا: «ای اهورا مزدا، ای زندگی‌بخش‌ترین نیرو، ای آفریننده‌ی هستندگان تن‌دار، ای راستکار، چه بود آن بیانی که بر من آشکار ساختی ای اهورا مزدا،

پیش از آن‌که آسمان (در وجود آید)، پیش از آب‌ها، پیش از زمین، پیش از گاو، پیش از گیاه، پیش از آتش، آن پورِ اهورا مزدا، پیش از بشر راست‌کار، پیش از (= ی ۳۴.۵) «جانوران شر، هم ایزدان نادرست و هم میرایان»، پیش از هر زندگی‌تانه، پیش از هر آنچه خوب است، پیش از آفریده‌شدن اینهمه توسط مزدا، (و آنچه از جنس) گونه‌های راستی است؟

آنگاه چنین پاسخ داد اهورا مزدا: «این پاره‌ای از اهورا ویریه بود، ای زرتشت سپیتما، که بر تو آشکار کردم،

پیش از آن‌که آسمان (در وجود آید)، پیش از آب‌ها، پیش از زمین، پیش از گاو، پیش از گیاه، پیش از آتش، آن پورِ اهورا مزدا، پیش از بشر راست‌کار، پیش از (= ی ۳۴.۵) «جانوران شر، هم ایزدان نادرست و هم میرایان»، پیش از همه‌ی زندگی‌تانه، پیش از هر آنچه خوب است، پیش از آفریده‌شدن اینهمه توسط مزدا، (و آنچه از جنس) گونه‌های راستی است.» (یسنا ۴-۱۹.۱)^۴

باور دارند که بیست و یک کلمه‌ی این نماز تمام مکاشفه و دانش اوستا را در خود گنجانده است، و در نتیجه، بر طبق اسطوره‌ی کیهان‌شناختی بندهشن ۲۹-۱.۲۸، اهریمن وقتی برخواندن این فراز توسط هر مزد را شنید از پای درآمد به تاریکی بی‌پایان خویش عقب‌نشینی کرد.^۵

^۱ نگاه کنید به سخن زنده‌یاد موبد کورش نیکنام باعنوان «آموزش بستن کشتی» در صفحه‌ی یوتیوب ایشان:

<https://www.youtube.com/watch?v=CdxC3pR11Ps>

نیز بنگرید به سخن موبد دکتر مهران پولادی درباره‌ی مراسم سدره‌پوشی که افزون بر نکات هینتره، گوید «چهار گره زده می‌شود: دو گره در جلو و دو گره در پشت.» و این نماد چهار آخشیح باشد (یا چهار فصل یا چهار گوشه‌ی گیتی): این گزارش ایشان در سایت «آمرداد» که و به این آدرس بارگذاری شده است (م.ف):

<https://www.youtube.com/watch?v=8V-m924vDT0>

^۲ افزون بر نکات هینتره، بنگرید به سخن زنده‌یاد موبد کورش نیکنام در این‌باره که با عنوان «آموزش سدره‌پوشی زرتشتیان» در یوتیوب قابل جستجو و تماشا است (م.ف):

https://www.youtube.com/watch?v=ZYv2_5m3DbA

^۳ See Patricia L. Baker, "Clothed in the Faith. The Zoroastrian Sudrah and Kusti", *Studia Iranica* 27 (1998): ۲۵۹-۷۵, ۲۶۵; Michael Stausberg, "The Significance of the *kusti*: A History of Its Zoroastrian Interpretations", *East and West* ۵۴ (۲۰۰۴): ۹-۲۹.

^۴ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص. ۱۷۳): «زرتشت از اهوره مزدا پرسید: ای اهوره مزدا! ای سپندترین مینو! ای دادار جهان استومند! ای آشون! کدام بود آن سخنی که مرا در دل افگندی، ای اهوره مزدا... پیش از آفرینش آسمان، پیش از آب، پیش از جانور، پیش از گیاه، پیش از آذر اهوره مزدا، پیش از آشون‌مرد، پیش از تباهاکاران و دیوان و مردمان دروند، پیش از سراسر زندگی این‌جهانی و پیش از همه‌ی مزدا آفریدگان نیک آشه‌نژاد؟ آنگاه اهوره مزدا گفت: ای سپنتمان زرتشت! آن سخن آهون ویریه بود که تو را در دل افگندم... [تکرار بند دوم همین‌ها]» م.ف.

^۵ See Agostini and Thrope, *The Zoroastrian Book of Creation*, 4, 8.

اوستای جوان روایت می‌کند که پیش از زاده‌شدن زرتشت، انسان‌ها هیچ ابزاری برای دفاع از خودشان در برابر حملاتِ انگره مینیو و همه‌ی دیوان‌اش نداشتند. زرتشت دین مزدپرسی را به نزد آدمیان برد، و او نخست بشری بود که نماز اهوئه‌ویریه را برخواند، که بلافاصله موجب شد انگره مینیو و دیوانِ او بگریزند و در زیر زمین نهران شوند:

پیش از زمانه‌ی او (زمانِ زرتشت) پیوسته آشکارا بورش می‌بردند دیوان،

پیوسته آشکارا صورت می‌پذیرفت لذت‌های هوسمندشان،

آشکارا به زور جدا می‌کردند ایشان

زنان را از مردان‌شان،

و پیوسته خشم می‌گرفتند این دیوان

بر آن (زنان) که می‌گریستند مویه‌کنان.

لیک تنها یکی نمازِ اهوئه‌ویریه

که برخواند زرتشت راستان،

و بخش گشته بود به چهارگان،

و رساتر بود برخوانی (بخش) واپسین‌شان

و همان، به زیر زمین راند جمله دیوان،

که نبودند ستایش را شایان، که نبودند نمازبردن را شایان. (ی ت ۸۱ - ۱۹.۸۰)^۱

زرتشت همان است که نبرد با انگره مینیو را بر عهده می‌گیرد و دیوهای او را نابود می‌کند:

زرتشت بترساند انگره مینیو را:

«ای انگره مینیوی سَرزای،

نابود کنم آفرینش‌های دیوساخته‌ی تو را

نابود کنم دیوِ لاشه‌های دیوساخته‌ی تو را؛

نابود کنم ساحره‌ی خنثیتی را،

تا آن زمان که زاده‌شدن خواهد

آن کامل‌کننده‌ی پیروزمند

^۱ Hintze, *Zamyād Yašt*, 35f.

بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص. ۵۰۰): «پیش از او، دیوان آشکارا بر این زمین در گردش بودند؛ آشکارا کامروا می‌شدند؛ آشکارا زنان را از مردان می‌ربودند و زاری‌کنندگان را می‌آزدند. آنگاه از یک «اهوئه‌ویریه...» که زرتشتِ آشون چهار بار با درنگی درخور و در دومین نیمه به آوازی بلندتر بسرود، همه دیوان به هراس افتادند؛ بدان گونه که آن نابه‌کاران ناشایسته برای ستایش و ناسزاوار برانیاش، در زیرزمین پنهان شدند» - م.ف.

از دریاچه‌ی گسسه‌اویه،

سربرآورد از سوی خاوری

آید از سمت وسوهای خاوری. (وی دیوداد ۱۹.۵)^۱

این فراز از نقطه‌ی پایان نبرد در برابر شر یاد می‌کند، وقتی «کامل‌کننده‌ی پیروزمند» (سئوشی‌ینت [سوشیانت]) از دریاچه‌ی گسسه‌اویه برون می‌آید، که نام اوستایی دریاچه‌ی هامون در آبریز هیلمند در افغانستان امروزی است، و اوست که با پدافند کامل از این دریاچه و واداشتن انگره مینیو به ناتوانی و عقب‌نشینی از جهان گیتیانه، نبرد در برابر شر را کامل می‌کند.^۲ تا زمان فرارسیدن آن رویداد مورد انتظار در آینده، آدمیان از زن و مرد به یک نحو، به مبارزه با همه‌ی انواع شر فراخوانده شده‌اند، و نیز به محدودکردن حضور شر در جهان تا حد ممکن.

پیکار با شر و درمان زندگی

افزون بر منتره‌هایی چون نماز اهوئه‌ویریه، حضور شر در جهان از طریق «کردار نیک» کاهش می‌یابد که سومین مولفه‌ی شعار زرتشتی «اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک، کردار نیک» و حاکی از مفهوم بنیادی دین زرتشتی است. این اندرز نخست در یکی از آغازی‌ترین متن‌های زرتشتی، یسنا هپتنگ‌هایتی شاهد دارد:

از اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک، کردار نیک

هم این جا و هم جای دگر،

پذیرندگانیم ما آن (سه چیز) نیک را،

نه لعن‌کنندگان‌اش. (یسنا ۳۵.۲)^۳

آموزه‌های زرتشتی، به‌عنوان یک دین آری‌گو به دنیا، مستلزم آن است باورمندان در جهان مداخله کنند و با پیروی از این اندرز در پیکار بر ضد شر شرکت کنند. در حالی که بیشترین تأکید بر جنگیدن با شر است، لیک همانقدر هم تأکید بر درمان جهان مبتلا به شر وجود دارد. نمازگزاران زرتشتی نه تنها شر را «درهم می‌شکنند»، بل همچنین زندگی را درمان می‌بخشند. از این رو، «درست‌ترین» (اشه-وهیشته) نماز، دشمن‌شکن‌ترین منتره در میان سروده‌هاست، «درمان‌بخش‌ترین چاره» [درمان] در میان منتره‌ها» (س ت ۳.۵).

«درمان‌گر» و «درمان‌گرترین» (ی ت ۱.۱۲)^۴ از نام‌های اهورا مزدا هستند، و زرتشت به‌عنوان «درمان‌گر زندگی» (اهوم. بیش-یسنا ۳۱.۱۹، ۴۴.۲) توصیف شده است:

^۱ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص. ۸۶۳): «زرتشت به اهریمن پاسخ داد: «ای اهریمن تبهکار! من آفرینش دیو را فرومی‌گویم. من نسوی دیوآفریده را فرومی‌گویم. من پری خنکی‌تی دیوآفریده را فرومی‌گویم. تا بدان هنگام که سوشیانت پیروز و دیواگن از دریای کیانسیه، از سرزمین نیمروز، از سرزمین‌های نیمروز یا به پهنه‌ی زندگی بگذارد.» - م. ف.

^۲ See also Almut Hintze, *Der Zamyād-Yašt. Edition, Übersetzung, Kommentar* (Beiträge zur Iranistik 15; Wiesbaden: Reichert, 1994), 365–99; “Frašō.kərəti”, *Encyclopaedia Iranica* 10 (2000): 190–2.

^۳ Hintze, *A Zoroastrian Liturgy*, 61.

^۴ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص. ۱۹۹): «اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک و کردار نیک را که در این جا و در هر جای دیگری ورزیده شده است و ورزیده خواهد شد، درود می‌گویم و خود نیز با جان و دل به نیکی همی‌کوشیم» - م. ف.

^۵ Antonio Panaino, *The List of Names of Ahura Mazdā (Yašt I) and Vayu (Yašt XV)* (Serie Orientale Roma 94; Roma: Istituto Italiano per l’Africa e l’Oriente, 2002), 45, 52.

گوش سپارید او را که به راستی اندیشد، آن درمان‌گرِ زندگی، داننده از طریق آفریدگار،

که به اختیار زبان به بند کشد بهر بیانِ مَتینِ درستِ گفتارش

[ای اهورا مزدا، تو چنین کنی] از طریقِ آتشیِ فروزنده‌ات در آن‌چه نیک است، در بخش کردن میانِ دو طرف [این ستیز]! (یسنا

۱۹.۳۱)

در اصل، تمام آفرینش‌های مینوی و گیتیانه‌ی اهورا مزدا ظرفیتِ درمان وجود را دارند، از جمله ماه (ی ت ۷.۵)، آب‌ها (ی ت ۸.۴۷)، ستاره‌ی تیشتریا (ی ت ۸.۲)، گیاهان (وی دیوداد ۲۰.۴)، و خاصه، هوم یا هَومَه، گیاهِ مربوط به قربانی:

ای هَومَه [هوم]، از آن چاره‌های درمان‌گر مرا ده

که بدان‌وسیله تو دهنده‌ی چاره‌های درمان‌گر هستی! (یسنا ۱۰.۹)^۲

تازاندنِ همه گونه بیماری و درمانِ گزندگی که به بدن وارد آمده پاسخ به پریشانی‌های جهانِ گیتیانه است که برعکس به‌وسیله‌ی حملاتِ انگره‌مینوی و عاملانش صورت گرفته است. «منتره‌های زندگی‌بخش» اوستا واژگانی‌اند که به‌وسیله‌شان بیماری‌ها پس رانده می‌شوند، و این اورادخوانی‌ها با دانش پزشکی و کارِ درمان‌گری با گیاهان و انجام جراحی روی شخص با استفاده از کارد ترکیب می‌شوند.^۳ از همه‌ی این شیوه‌های درمان‌بخش، شیوه‌ی درمانی که از منتره استفاده می‌کند موثرترین شیوه انگاشته می‌شود:

وقتی آنانی که بسیاری علاج‌های درمان‌گر دارند گرد هم آیند

ای زرتشت سپیتما [سپیتمه]،

آن‌که با کارد درمان می‌کند، آن‌که با گیاه درمان می‌کند، و آن‌که با منتره درمان می‌کند،

باید آن‌ها در این جا جمع آیند،

بر گرد این منتره‌ی شفا‌دهنده‌ی زندگی‌بخش.

زیرا این منتره شفا‌بخش‌ترین همه‌ی چاره‌های درمان‌گر است،

به دیگر گپ، منتره‌ی زندگی‌بخش، منتره‌ی درمان‌گر،

که اندرونه‌ی مرد راست‌کار را درمان خواهد کرد. (وی دیوداد ۷.۴۴)^۴

^۱ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص ۲۱): «به گفتار کسی گوش فرادهید که به «اشه» می‌اندیشد؛ بدان فرزانه‌ای که درمان‌بخش زندگی‌ست؛ بدان کسی که در گفتار راستین، توانا و گشاده‌زبان است. ای مزدا اهوره! با آذرِ فروزان خویش واپسین جایگاه هر دو گروه را آشکار کن» - م.ف.

^۲ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص ۱۴۶): «ای هوم! مرا از آن درمان‌هایی بخش که تو خود بدان‌ها درمان کنی. ای هوم! مرا از آن پیروزی‌هایی بخش که تو خود بدان‌ها دشمن را شکست دهی.» - م.ف.

^۳ See Forrest, *Witches, Whores, and Sorcerers*, 113f.; Paolo Delaini, *La medicina nell'Avesta. Widēwdād 7, 20, 21, 22. Studio filologico, traduzione e commento dei testi avestici e medio-persiani. Con un saggio sugli studi sulla medicina zoroastriana dal Settecento ad oggi* (Indo-Iranica et Orientalia volume 15; Bologna: Mimesis 2016).

^۴ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، ص ۷۳۷): «ای سپیتما زرتشت! اگر پزشکان چندی با یکدیگر به درمان بیمار پردازند، یکی با کاردپزشکی، دیگری با گیاه درمانی، و آن دیگری با «منتره‌درمانی»، این سومین است که بهتر از همه بیماری را از تن بیمار آشون دور می‌کند.» - م.ف.

موبدان زرتشتی و امدار نقش کانونی ممتز در درمان بیماری‌ها هستند، در سرتاسر دوران‌ها، به‌طور سنتی به‌منزله‌ی پزشک عمل کرده‌اند و مسئول [برخوانی] منتره و دیگر فنون درمان‌گر انگاشته شده‌اند. نه تنها شواهدی از پزشکی زرتشتی در اوستا وجود دارد بل در متن‌های فارسی میانه نیز پزشکی زرتشتی یاد شده، خاصه در فصل‌های ۲۹-۳۱ از گزیده‌های زادسپرم. این اثر گواهی می‌دهد که موبد زرتشتی به تحلیل ترکیب‌بندی و کارکرد بدن انسان، و گمانه‌زنی درباره‌ی آن‌ها می‌پرداخته است.^۱ پیوند باستانی بین کار موبد و پزشکی گاه حتا در سال‌های اخیر و در بستر پزشکی مدرن نیز یافت می‌شود. همانطور که جان هیلنز اشاره می‌کند^۲، دستور دکتر سهراب ه. کوتار، موبدان موبد زرتشتی در بریتانیا در دهه‌ی هشتاد، هم یک پزشک بسیار محترم و هم یک موبد بود، و نیز جاماسپ کی خسرو دستور، جراح و موبد بزرگ انجمن آتش بهرام در مومبای است؛ او در آن‌جا راه پدر مرحومش دستور دکتر کی خسرو جاماسپ آسا را پی گرفته است.

رویکرد زرتشتی به تندرستی مستلزم پرهیز از هر چیزی است که بدن را دچار سستی و مستعد بیماری‌ها کند. برای نمونه، وقتی زنی در دوره‌ی عادت ماهیانه‌اش نیاز به خلوت‌گزینی خودخواسته دارد، چه بنا به آموزه‌های زرتشتی طی آن دوره ناپاک انگاشته می‌شود، خانواده‌اش وظیفه دارند میزان کافی خوراک و نوشیدنی برایش فراهم آورند تا تندرستی تنه‌ی او به خطر نیفتد:

چه میزان خوراک باید آورد، چقدر (نوشابه‌ی) جو؟

دو واحد نان خشک، یک واحد نوشیدنی، مبادا که زن سستی گیرد. (وی دیواد ۱۶.۷)^۳

تهیه‌ی خوراک و نوشیدنی خوب و درست شیوه‌ای برای دورداشت بیماری‌ها از بدن است، و همچون دیگر چیزهای خوب زندگی، باید به میزان از آن‌ها لذت برد. خوشی بخش مهمی از زیست سالم است، و ثروت گیتیانه تا آن‌جا خوب است که با روراستی و به شیوه‌ای شرافتمندانه به دست آید. این رویکرد شخص نیکو را به بخشندگی توانا می‌کند، تا آن‌چه دارد را با بخشندگی نیکوکارانه میان نیازمندان پخش کند. این منش شالوده‌ی نیکوکاری‌های زرتشتی است، و این‌ها شیوه‌ای برای پشتیبانی از نیکی و نبرد با موقعیت‌های سست‌کننده‌ی زندگی‌اند، موقعیت‌هایی چون غرور، فقر و نداشتن تندرست. زرتشتیان سنت نیکوکاری دیرپایی دارند، که تهیه‌ی سرپناه برای فقرا، آموزش، و نهادهای پزشکی را شامل می‌شود.^۴ نزد زرتشتیان، نیک‌خواهی به‌منزله‌ی یک وظیفه‌ی دینی، و آزادگی همچون یک فضیلت نگرسته می‌شود. آن‌ها در راه این هدف می‌کوشند: فرونشاندن رنج آدمیان، و از این‌رو کاستن از توان شر در گیتی.

برای مطالعه‌ی بیشتر

Forrest, S. K. Mendoza. *Witches, Whores, and Sorcerers: The Concept of Evil in Early Iran*. Austin: University of Texas Press, 2011.

Hintze, Almut. "Monotheism the Zoroastrian Way". *Journal of the Royal Asiatic Society (Third Series)* ۲۴, no. ۲ (۲۰۱۴): ۲۲۵-۴۹.

Shaked, Shaul. "Some notes on Ahreman, the Evil Spirit, and His Creation". In *Studies in Mysticism and Religion Presented to Gershom G. Scholem on His Seventieth Birthday by Pupils, Colleagues and Friends*.

^۱ See also Peter Sohn, *Die Medizin des Zādsparam. Anatomie, Physiologie und Psychologie in den Wizidagiha i Zadsparam, einer zoroastrisch-mittelpersischen Anthologie aus dem frühislamischen Iran des neunten Jahrhunderts* (Iranica 3; Wiesbaden: Harrassowitz, 1996); Philippe Gignoux and Ahmad Tafazzoli, *Anthologie de Zādsparam* (Paris: Association pour l'avancement des études iraniennes, 1993), 94-113.

^۲ See Hinnells, "Health and Suffering in Zoroastrianism", 8.

^۳ بسنجید با دوستخواه (پیش‌گفته، صص ۸۳۶-۸۳۷): «چه اندازه خوراک و چه اندازه نان باید برای او ببرند؟ تنها به اندازه‌ی دو دینار نان و به اندازه‌ی یک دینار شیریا، تا مبادا نیرو بگیرد.» (تفاوت یا در این مورد - شگفتا که - تضاد در برداشت دوستخواه و هیئتزه از متن اوستایی می‌تواند و باید مورد چون‌وچرا و تدقیق و بازنگری اهل فن باشد) - م.ف.

^۴ See John R. Hinnells, "The Flowering of Zoroastrian Benevolence: Parsi Charities in the 19th and 20th Centuries", in *Papers in Honour of Professor Mary Boyce*, vol.10, ed. Adrian David H. Bivar and John R. Hinnells (Acta Iranica 24; Leiden: Brill, 1985), 261-326.

Edited by Ephraim E. Urbach, R. J. Zwi Werblowsky, and Chaim Wirszubski, 227-34. Jerusalem: Magnes Press, 1967.

Shaked, Shaul. "The Notions of *mēnōg* and *gētīg* in the Pahlavi Texts and Their Relation to Eschatology". *Acta Orientalia* 33 (1971): 59-107.

گرداننده: پویا غلامی

تصاویر افزوده به متن اصلی:

یک. سکه‌ی نقره‌ی شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ میلادی)؛ ساسانی؛ با نقش آتشدان و روبان و دو تمغا و دو نیایش‌گر یا نگهبان آتش مقدس در دو سو

دو. تندیسکی هخامنشی از زر و سیم؛ سالخورده‌ای با چشمان درشت و ابروان پرپشت و بینی کشیده و ریش و سیبیل آراسته، دسته‌ای برشم به دست چپ مقابل سینه دارد؛ به احتمال زیاد یک موبد یا دین‌یار زرتشتی یا صحنه‌ای مربوط به برگزاری آیینی زرتشتی؛ سده‌ی ۴-۵ پیش از میلاد؛ ۱۴.۵ × ۳.۵۰ × ۳ سانتی‌متر؛ وزن: ۳۸۶ گرم؛ یافته از تخت‌کواد تاجیکستان (گنجینه‌ی جیحون)؛ یادگاہ بریتانیا

سه. تندیسک زرین هخامنشی؛ دو مرد آراسته‌ی برشم به دست در دای «کندیس»؛ شاید دو موبد زرتشتی یا صحنه‌ای مربوط به برگزاری آیینی زرتشتی؛ ۱.۳۰ × ۵.۳۰ سانتی‌متر؛ وزن: ۳۳.۵۰ گرم؛ سده‌ی ۵ پیش از میلاد؛ یافته از تخت‌کواد تاجیکستان، نگهداری در یادگاہ بریتانیا



